



۲۰۱۶/۰۵/۲۲

جلیل غنی هروی

ملا اختر محمد منصور رهبر طالبان کشته شد

به گزارش منابع خبررسانی غربی ملا اختر محمد منصور رهبر طالبان در حمله طیارات بدون پیلوت امریکائی، که امر این حمله را شخصاً بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده داده بود، امروز شنبه بیست و یکم می مطابق اول جوزا در پاکستان در حاشیه سرحدی دور افتاده آن کشور کشته شد.

گر چه منابع خبری کشته شدن ملا منصور را گزارش دادند و پنتاگون/ وزارت دفاع ایالات متحده نیز حمله بر ملا منصور را طی بیانیه تأیید کرده ولی می گوید هنوز هم مشغول بر رسی این حمله است. گفته می شود که درین حمله ملا منصور و یک طالب دیگر هدف گرفته شده بودند.

ملا اختر محمد منصور به جای ملا عمر رهبر طالبان که مرگ او برای مدت دو سال از طرف پاکستان و گروه طالبان پنهان ساخته شده بود، خود را رهبر این گروه اعلام نمود که موجب دو پارچگی و انشعاب در گروه طالبان گردید.

ولی حالا چرا؟

ایالات متحده امریکا و جهان میدانستند که ملا منصور و گروه طالبان در پاکستان پایگاه دارند و حتی سرتاج عزیز مشاور امور خارجی پاکستان هم اعتراف نموده بود که رهبری طالبان در پاکستان به سر می برد ولی هیچ گاهی چنین عملیاتی آن هم به هدایت مستقیم رئیس جمهور ایالات متحده امریکا صورت نگرفت.

امریکا و افغانستان و جهان به شمول حامی و پشتیبان عمده و خالق پاکستان، برتاینه، همیشه گفته اند که پاکستان باید به وعده هایش عمل کند و علیه افراط گرایان و شبکه های دهشت افگنی که در پاکستان پایگاه دارند دست به اقدامات عملی بزند. پاکستان تا کنون کمتر به این وعده هایش عمل کرده و هر باری که چنین فشار های زیاد میشود یا گروه دستوری ای را از صف درجه دوم و سوم طالبان به میز مذاکره می آورد و یا یکی دو فرد غیر مهم را از طالبان، شکار ایالات متحده می سازد. اما این بار بعد از آنکه کانگرس امریکا تادیبه چهار صد و پنجاه میلیون دالر کمک پاکستان را برای مبارزه با دهشت افگی به پاکستان مشروط به اقدامات عملی در برابر افراط گرایان شبکه حقانی و سایر دهشت افگان نمود و از جانبی کنفرانس اعضای ناتو و ایالات متحده امریکا در بروکسل مبارزه با دهشت افگنی را جدی تر از هر وقت دیگر مورد بر رسی قرار داده و دوام مساعدتهای مالی و تخنیکی را به قوای امنیتی افغانستان تعهد کردند، پاکستان متوجه گردید که دیگر قطعه فریب کارانه آن کار گر نیست و تشنه بد نامی او از بام افتاده است.

از جانب دیگر روز شنبه زلمی خلیل زاد نماینده پیشین خاص رئیس جمهور بوش و سفیر سابق ایالات متحده برای افغانستان صریحاً اعلام داشت که «پاکستان یک کوریای شمالی دیگر خواهد شد. یک مملکتی که چند بم اتم خواهد داشت اما در انزوا در دنیا زندگی خواهد کرد. دوم اینکه بالاخره افغانستان و دنیا مجبور خواهند شد پشت لانه های افراطیت در پاکستان حرکت مستقیم بکنند»

در عین زمان روز شنبه اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان برای یک بازدید دو روزه و مذاکره با رهبران قطر وارد دوحه گردید. قرار است وی با رهبران و سرمایه داران این امیر نشین در باره سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی به افغانستان مذاکره نماید. قطر میزبان دفتر طالبان نیز هست و این دفتر برای مذاکره با افغانستان تأسیس گردیده بود ولی در زمان حکومت کرزی هیچ نوع مذاکرات قابل اعتباری از آدرس این دفتر با حکومت کرزی دایر نگردید. همچنان قطر میزبان پنج نفر از رهبران کلیدی گروه طالبان است که دو سال قبل در یک تبادل با یک امریکائی از زندان گوانتانامو آزاد شدند و در قطر در بازداشت خانگی به سر می برند آنها ملا نور الله نوری، ملا عبدالحق وثیق، محمد نبی عمری، ملا خیر الله خیر خواه و محمد فاضل احمد هستند. قطر با مناسبات حسنه و گذشته بی طرفانه که با افغانستان دارد و با طالبان نیز مناسبات نیک داشته است می تواند نقشی در کشاندن طالبان به میز مذاکره داشته باشد مخصوصاً که هم افغانستان و هم ایالات متحده و سایر کشور های جامعه بین المللی دخیل در معضله افغانستان، به خوبی درک کرده اند که پاکستان در گفتارش صادق نیست و تا کنون از به اصطلاح تال چال در شطرنج مساعی صلح برای افغانستان کار گرفته است. افغانستان و دوستان بین المللی اش به خوبی درک کرده باشند که حکومت ملکی پاکستان حرف آخر را در قضایای مربوط به افغانستان در سیاست خارجی این کشور نمی زند، بلکه این نظامیان و بالاصح استخبارات نظامی آن کشور (آی - اس - آی) است که تصمیم نهائی را می گیرد و این دستگاه مخوف ارتباط نزدیک با همه افراطیون و مدارسی دارد که این افراطیون را تولید میکنند. حتی افراد شناخته شده ای طالبان چون حسن حق یار معین وزارت معادن رژیم طالبان می گوید: «حکومت فهمید که پاکستان در روند صلح صادق نیست».

گروه طالبان هم در یک سالی که گذشت با وصف آنکه مخالفین ملا اختر محمد منصور همیشه ادعا دارند که این رهبری دست نشاندۀ آی - اس - آی پاکستان است، تلاش کرده خود را به نحوی مستقل از نفوذ نظامیان پاکستان نمایان سازد.

کشته شدن ملا اختر محمد منصور درین مقطع زمان می تواند نشانه از همکاری دستگاه استخبارات نظامی پاکستان برای رسانیدن اطلاعات از حرکات رهبری طالبان به مقامات امریکائی باشد، آن هم برای نشان دادن صداقت آن کشور در آنچه که ادعا می کند مبارزه با افراطیون است ولی این حرکت جزئی، در نتیجه فشار های وارده از جامعه بین المللی است (اگر این حدس درست باشد)، ولی آیا می توان باز هم به این فریب کاری ها، باور نمود؟

پایان